

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا اردوغان در ترکیه آماده اعلام خلافت است؟



(ترجمه)

در میان خرابه‌های ذلت‌بار و تباهی‌ای که نزدیک است جهان اسلام را فرا گیرد، واقعاً که مسلمانان مشتاق خلافت اند. امروزه دیده‌گان مسلمانان منتظر روز تغییر است؛ روزی که در آن مسلمانان در ترکیه، کشورهای عربی و سایر سرزمین‌های اسلامی ابتکار عملی را که از دست داده اند، دوباره به دست آرند. از هرگونه تعلق جز رب شان سبحانه و تعالی حذر کنند و هیچ نظامی جز نظام دین شان را، که اسلام بزرگ است، نپذیرند.

هم‌چنان، اسلام عرب را پس از آن که اوضاع داخلی خود را به احکام اسلام آراست، از ملتی حاشیه‌ای که در بین سایر ملل هیچ وزنی نداشت، به قله‌های رهبری رساند و در زمان بسیار کوتاهی نیرو و توان خویش را هسته‌گذاری نمود که هنوز هم دلیلی برای پژوهش متفکرین سیاسی است. اسلام به نبرد با کفار اطراف خویش پرداخت و آئین عظیم خویش را منتشر نمود. قبائل در جزیره‌العرب به دین جدید روی آوردند. قبل از ختم دهه اول دولت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بنیه اسلام مستحکم گردید و به نبرد با دولت‌های قدرت‌مند اطراف خویش پرداخت.

سؤال مهمی که مطرح می‌گردد و مسلمانان آن را به آسانی پاسخ می‌دهند، اینست که اگر مسلمانان امروز آماده شده و آن را تکرار کنند و دولت خلافت ثانی را تأسیس کنند، آیا می‌توانیم چنان باشیم که دولت نخست اسلام بود؟ و چنان چه

مطمئناً پاسخ مسلمانان "آری" خواهد بود؛ پس لزوماً متفکرین کشورهای کفری نیز این موضوع را به خوبی می‌دانند و سیاسیون‌شان از بازگشت اسلام سخت در هراس اند. در هراس اند از این که این بازگشت به اسلام از کشورهای قدرت‌مندی؛ هم‌چو ترکیه که مردم‌اش به تاریخ عثمانی اُنس دارند و آرزوی بازگشت مجد اسلام را در دل می‌پروراند، صورت گیرد. خصوصاً این که زمانی استانبول مرکز دولت اسلامی و تمام امت بود.

از این نیز در هراس اند که بازگشت به اسلام از کشور قدرت‌مندی؛ چون پاکستان و مصر صورت گیرد که صاحب اردویی قوی بوده و به دریای مدیترانه و سرخ متصل است و در آن کانال سویس عبورگاه تجارت جهانی است و این هراس‌ها خوابگاه سیاسی کشورهای بزرگ، خصوصاً آمریکا را ناهموار کرده است.

باید دانست که واقعیت هراس آمریکا و اروپا از زلزلهٔ خلافت این است که غرب حالت عصیان را در امت اسلامی می‌بیند؛ چون غرب در مسائل کوچک و بزرگ کشورهای اسلامی به سهولت تصمیم می‌گرفت و تمام چیز در قبضه‌اش بود؛ ولی با آغاز این قرن حالت جدیدی از عصیان در بین امت اسلامی رشد کرده است.

اولین ملاحظهٔ بزرگ این حالت سال 2001م بود؛ زمانی که "جنبش طالبان" افغانستان جدا شدن از "القاعده" را که به حوادث 11 سپتامبر متهم شده بود، رد کرده و جنگ را ترجیح داد، علی‌الرغم این که نتوانست جلو اشغال افغانستان را بگیرد، باز هم تسلیم نشد و این آغاز عصیان بود. سپس در سال 2003م آمریکا عراق را اشغال نمود. پس از آن که آمریکا اعلام نمود اردوی عراق را شکست داده، خود را در مقابل مقاومت شدیدی یافت که از اردوی آمریکا هراس نداشتند و آن را در لجن‌زار عراق غلطانند و نزدیک بود شکست خورد. سپس در سال 2011م جنبش‌های بهار عربی قد علم نمودند که شعار براندازی نظام یعنی نظام‌های مزدور آمریکا و اروپا را سر می‌دادند؛ نظام‌هایی که آن قدر متعفن و فرسوده شده بود که آن را در پرتگاه سقوط قرار داده بود و انتظار این جنبش‌ها در سازمان‌های اطلاعات آمریکا و اروپا نمی‌رفت. این کشورها ناقوس خطر بزرگ را در جلو حالت عصیانی که می‌خواست منفجر شود، به صدا در آوردند.

انقلاب سوریه که در سال 2011م آغاز یافت، حالت ویژه‌ای داشت؛ زیرا ندای تأسیس خلافت راشده را در کنار براندازی نظام افزود و ندای خلافت‌خواهی بسیار گرم بود؛ به همین دلیل آمریکا با تمام قوا به مقابله با آن پرداخت و در تلاشی برای سرکوب کردن آن از ایران، روسیه و سایرین کار گرفت و به نوعی تظاهر کرد که گویا علیه نظام سوریه و هم‌پیمانان آن عمل می‌کند و این سیاست آمریکا برای احاطه کردن خطر لازم پنداشته می‌شد، در غیر آن صورت اوضاع بحرانی‌تر شده و هیاهویی به پا می‌شد و رشتهٔ کار از دست وی و پیروانش بیرون می‌شد. خلاصه باید گفت که انقلاب سوریه آمریکا را در لرزهٔ آستانهٔ زلزلهٔ خلافت برمنهج نبوت قرار داد و در میدان عمل دو مسئله ثابت شد.

**اول)** این که ترکیه به‌منظور سرکوب کردن انقلاب سوریه به شکل گسترده‌ای همراه آمریکا همکاری نمود. فرصت بزرگ برای ترکیه این است: حزب حاکمی که به نام حزب اسلامی شناخته می‌شود و رئیس آن اردوغان از آن چه که به نام حرکات "اسلام معتدل" یاد می‌شود، از حمایت گستردهٔ مردمی برخوردار است.

**دوم)** اعلام خلافت دروغین در شهر موصل. به اساس این دو مسئله در ترکیه نظریه جدیدی تحت نام "ترکیه عثمانی" نشأت کرد تا شاید راه نجاتی برای برطرف کردن حالت عصیان در جهان اسلام باشد. برای تأکید جدی نظریه امریکائی شبکه CNN عربی به تاریخ 12 جولای 2014م گفت: «در طول سال‌ها کارشناسان پیش‌بینی نمودند که برخی عوامل مربوط تاریخ بوده و برخی دیگر به تصمیم‌های مهم و جدیدی که اتخاذ گردیده مرتبط است و ممکن است آتش را شعله‌ورتر کند. متفکرین "شورای اتلانتیک" هشدار دادند که طرز تفکری که اساس آن تأسیس دولت خلافت بر مساحت وسیع می‌باشد، هرج و مرج را در منطقه عربی رهبری خواهد کرد.»

کارشناسان امریکائی در سال 2016م از آغاز دو نبرد بزرگ علیه امریکا، یکی در منطقه اسلامی و دیگری در چین، هشدار داده بودند. معنی‌اش اینست که امریکا برای حفظ نفوذ و جایگاه بین‌المللی‌اش با جدیت تمام به این فکر می‌کند که ممکن است مقدمات آمدن خلافت غیرمنتظره بوده و در مقابل دیده‌گانش زلزله آمدن خلافت به وقوع پیوندد. به همین دلیل آماده‌گی آن را می‌گیرد.

به‌منظور این‌که بحث بهتر روشن شود، نیاز است تا واقعیت حکومت و وابستگی اردوغان و حقیقت جذب گروه‌هایی را که به نام "اسلام‌گرای معتدل" در استانبول و انقره شناخته می‌شوند، به بررسی بگیریم. سپس باز خواهیم گشت به جدیت دیدگاه امریکا به "ترکیه عثمانی" و تسهیلاتی که امریکا به ترکیه عثمانی فراهم می‌نماید؛ پس از آن رویکرد اثبات ارتباط‌اش با عثمانی‌ها که اردوغان مظهر آن قرار گرفته است و از تمام موارد فوق جدیت این فکر خطرناک را به ارزیابی خواهیم گرفت تا این‌که مسلمانان در پرتگاه بزرگ سیاسی سقوط نکنند.

### **واقعیت حکومت ترکیه**

اما در مورد حکومت ترکیه باید گفت که حکومتی کاملاً سیکولر است. نظام سیکولری که مصطفی کمال بر شانه‌های خلافت هسته‌گذاری نمود تا اکنون در ترکیه حاکم است.

ظاهر حکومت چه ریاستی باشد چنان‌چه به خواست اردوغان در سال 2017م برای آن همه‌پرسی راه انداخته شد و یا هم پارلمانی باشد که رهبری آن را نخست وزیر بر عهده دارد، هردویش از مشتقات نظام سرمایه‌داری بوده که هیچ پیوندی با دین بزرگ ما نداشته و ارتباطی با اسلام ندارد و از نگاه شکل حکومتی یک نظام غیراسلامی است.

در قسمت سیاست داخلی هم سیاستی که تعقیب می‌شود، سیاست سرمایه‌داری است و نه اسلامی. قوانین امروزه‌اش وضعی بوده که از طرف پارلمان به تصویب می‌رسد و به استثنای برخی از احوال شخصی، سایر قوانین‌اش اسلامی نیست حتی مسئله‌ای ازدواج با بیش‌تر از دو زن، که اسلام آن را مباح دانسته است، مطابق قوانین ترکیه حرام و ممنوع است و برای زن مسلمان اجازه داده است تا با یک کافر ازدواج کند. احکام قضائی‌اش وضعی بوده و جایگاهی در شریعت ندارد.

علی‌الرغم این که حزب حاکم عدالت و توسعه (حزب اردوغان) که به نام حزب اسلامی قلمداد می‌شود، نه تنها در عمل قوانین وضعی را تغییر نداده؛ بلکه هیچ‌گونه تلاشی برای تغییر آن نیز نکرده است. برخی از گروه‌هایی که به نام اسلامی شناخته می‌شوند، در بحث تطبیق احکام شریعت، طرح فکر "تدریج" را مطرح نموده اند و ساده‌ترین مفهوم "تدریج" حتی صرف نظر از دیدگاه شریعت در آن، به این معنی است: کشوری که دارای این‌گونه طرز تفکر است، یک بخش از اسلام را تطبیق نموده و بخش دیگر آن را معطل قرار می‌دهد و در هر سال بخش‌های از احکام اسلام را در تطبیق کردن اضافه می‌کند و این ساده‌ترین فهم از تدریج است. مگر اردوغان رئیس جمهور ترکیه و حزب اسلامی‌اش به استثنای یک بخش اندک از احوال شخصی، که قبلاً گفتیم و اصلاً قبل از اردوغان نیز تطبیق می‌شد، هیچ‌گونه از احکام شرعی را تطبیق نمی‌کند.

علی‌الرغم اقتدار اردوغان از سال 2002م به فهرست تطبیق احکام شریعت در آن کشور چیزی افزون نشده است و رئیس جمهور اردوغان اصلاً فکر "تطبیق تدریجی اسلام" را مطرح ننموده و از آن سخن به زبان نیاورده است و در هیچ‌کدام از برنامه‌های انتخاباتی‌اش طرح تطبیق احکام شرعی را مطرح نکرده است. وی علناً سیکولر بوده و از سیکولر بودن خویش شرمند هم نیست و حتی اخوان المسلمین مصر را نیز به سیکولریزم فراخوانده است. «رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه، مصری‌ها را بر تلاش برای تأسیس کشوری سیکولر تشویق نموده و تأکید داشت که دولت سیکولر به معنی دولت لائیک نیست. وی در خلال مصاحبه‌اش با تلویزیون مصری "Dream" به تصویب قانون اساسی‌ای با در نظر داشت اصول سیکولری فراخوانده و ترکیه را نمونه‌ای مناسب از دولتی سیکولر دانست و به این اشاره نمود که وی به‌رغم این که نخست وزیر یک دولت سیکولر است، باز هم یک مسلمان می‌باشد.» (منبع: خبرگزاری DWA آلمانی، 13 سپتامبر 2011م)

حتی اردوغان و حزب‌اش مصمم اند تا با احکام شرعی مبارزه کنند. «حزب حاکم ترکیه (عدالت و توسعه) تصمیم گرفته است تا دو نماینده را به شهر "ریزه" که در کنار دریای سرخ واقع است، به‌خاطر تحقیقات رسمی همراه عضو حزب حاکم و شهردار این شهر "خلیل باکرجی" گسیل دارد. موصوف در اظهارات‌اش که به رسانه‌ها پخش شده بود، خواهان اجازه‌ای تعدد زوجات شده بود؛ این در حالی است که تعدد زوجات در ترکیه خلاف قانون اساسی این کشور است.» (منبع: دوت مصر، 14 نومبر 2014م)

بر علاوه موارد فوق، دیدگاه ملی‌گرائی بخش جدائی‌ناپذیر از نظام حاکم ترکیه است. مسلمانان کُرد و عرب از جمله اقلیات در کشور ترکیه اند؛ ایشان در مناصب دولتی مورد تبعیض قرار گرفته و دولت هم عادت قوم‌گرائی خود را که در تناقض با اسلام قرار دارد، پنهان نمی‌کند. گویا حضرت محمد صلی الله علیه و سلم در این باره فرمودند که:

«دَعُوها فَإِنَّها مُنْتَنَةٌ»

ترجمه: ترک‌اش کنید که بوی بد می‌دهد.

اسلام هرگونه نژادپرستی‌ای که باعث تفرقه بین امت واحد اسلامی گردد، محکوم و مردود دانسته است. اما سیاست خارجی ترکیه مطلقاً بر اساسات اسلام استوار نمی‌باشد و در سیاست خارجی خود هیچ‌گونه فعالیتی را که منجر به دعوت اسلام شود، تعقیب نمی‌کند و اگر ساخت مسجدی در امریکا یا افتتاح مرکزی اسلامی در غرب یک‌عده را شگفت زده نموده است، باید گفت که این کار مخصوص ترکیه نبوده و تمام نظام‌های حاکم در جهان اسلام مثل دولت‌های خلیج و مصر، دست به چنین کار هائی می‌زنند. اقلیات مسلمان در خارج، مساجد خود را به حمایت و یا عدم حمایت کشورهای اسلامی می‌سازند.

ترکیه در سیاست خارجی خویش، مسلمانان را به‌خاطر مسلمان بودن‌شان یاری نمی‌رساند؛ چنان‌چه روابط دیپلماتیک و همکاری‌های نظامی خویش را با دولت یهود به‌رغم جنایات هم‌روزه‌اش علیه اهل فلسطین، قائم می‌کند؛ این در حالی است که همیشه آواز حمایت از فلسطینی‌ها را سر می‌دهد. با آن هم حمایت‌اش از این کشور به تناسب حمایت از کشورهای اروپائی بسیار ناچیز است و همین حمایت ناچیز هم در ضمن استراتیژی غرب برای صلح با رژیم یهود صورت می‌گیرد.

در سوریه بشار هزاران تن را به قتل رساند. امریکا و هم‌پیمانان اروپائی‌اش از راه دور مداخله کردند و روسیه نیز از مسافت‌های دور مداخله نمود؛ مگر مداخله‌ای ترکیه که بعد از سال‌ها صورت گرفت، به مصالح بشار مجرم تمام شد. ترکیه بر سر گروهائی که طرف‌دارش هستند، برای گفت‌وگو با بشار در انقره، آستانه و ژینو بالای‌شان فشار آورده و آن‌ها را از میدان نبرد با بشار، به میادین دیگر سوق می‌دهد؛ مثل نبرد با داعش در "سپر فرات" و نبرد با تنظیم‌های کُردی در "شاخه زیتون". تمام مداخلات ترکیه منجر به پیروزی بشار بر آن‌عده از انقلابیون مخلصی که باقیمانده اند، شده است.

در خلال بحران روهینگیا که جهان را گریاند، ترکیه به‌نام کمک به روهینگیا، اردوی وحشی میانمار را کمک نمود. در حمایت از مسلمانان روهینگیا، صدای بعضی از کشورهای اروپائی به مراتب بالاتر از صدای ترکیه شنیده شد.

به این ترتیب روشن می‌شود که ترکیه در شکل حکومت و سیاست داخلی و خارجی‌اش، کشوری سیکولر بوده و به‌رغم این‌که شریعت طرز فکر "تدریج" را مردود دانسته باز هم در ترکیه هیچ‌گونه رویکرد شرعی وجود ندارد تا ما در آن مراقب صعود فکر "تدریج" باشیم، و چون امور تا این حد واضح است؛ پس کسی که تلاش می‌کند تا دیگران را به اسلامی بودن ترکیه به رهبری اردوغان فریب دهد، در واقع خود را فریب داده است؛ زیرا این کشور همانند سایر کشورهای جهان اسلام بوده و حاملین دعوت اسلامی را دستگیر نموده و به زندان‌ها می‌اندازد. دولت ترکیه تحمل فراخواندن به تطبیق اسلام را ندارد و همانند عملکرد غرب، دعوت‌گران آن را به اتهام "تُند رو" و "تروریزم" به زندان می‌اندازد.

### **وابستگی اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه**

اما دانستن وابستگی سیاست خارجی اردوغان نیاز به فکر عمیق ندارد؛ زیرا از یک طرف ترکیه‌ای قبل از اردوغان و با اردوغان، کشوری عضو "ناتو" است؛ یعنی کشوری که رسماً تحت قیادت مستقیم نظامی امریکا قرار دارد و یکی از

بزرگ‌ترین پایگاه ناتو(انجریک) در این کشور قرار دارد و از همین پایگاه هواپیماهای امریکا برای سرکوب کردن مسلمانان در سوریه و عراق به پرواز در می‌آید. از طرفی دیگر ترکیه می‌گوید که کشوری اروپائی است و از سال‌ها به این سو با تن دادن به شرایط اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا به این اتحادیه ملحق گردد؛ علی‌الرغم آن که کشورهای اروپائی عضویت ترکیه را به‌خاطر این واقعیت که اکثریت جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند، بپذیرفته اند، مگر ترکیه به‌خاطر ملحق شدن به این اتحادیه اصرار می‌کند. به این ترتیب کشور ترکیه رویکرد و علایقی غربی دارد و رئیس‌جمهور اردوغان هیچ‌گونه تغییری به این روی کرد نیاورده است.

اما توسعه روابطش با کشورهای اسلامی از ناحیه عکس‌العمل برای عدم پذیرش عضویت‌اش در اتحادیه اروپا بوده و از طرفی دیگر این روابط همراه نظام‌های وضعی در چارچوب نظام بشری موجود بوده و هیچ‌گونه تلاشی برای تغییر وضع موجود صورت نگرفته است. این موضوعی به‌قدری واضح است که نیاز به دلایلی زیاد ندارد.

اما سیاسیونی که سیاست‌های کشورها را به‌دقت تعقیب می‌کنند، به آسانی ارتباط ترکیه را با امریکا در خواهند یافت. امریکا بود که اردوغان و حزب‌اش را به‌منظور تسلط در ترکیه با ابزار سیاسی و تسهیلات مالی و غیره فراهم نمود و امریکا می‌خواهد تا جنرال‌های طرف‌دار اروپا در اردوی ترکیه را پاک‌سازی کند و این مهم در انقلاب نافرجام سال 2016م علی‌الرغم نمایش‌نامه ارتباط دادن این مسئله به "گولن" و نمایش‌نامه اتهام امریکا به‌دست داشتن بخشی از این تلاش نافرجام متحقق شد.

شاید حوادث سوریه واضح‌ترین و علنی‌ترین مثال بر روابط ترکیه و امریکا باشد. استخبارات ترکیه علناً در کنار استخبارات امریکا، افسران انشعابی اردوی سوریه را برای تشکیل مخالفین مسلح مثل "ستاد افسران" و "فرماندهی عالی نیروهای مسلح" برای منحرف کردن انقلاب سوریه و گروه‌های نظامی از مسیر سقوط نظام و تشکیل دولت اسلامی، مورد استقبال قرار داد و امریکا و ترکیه برابر و به شکلی علنی باهم کار کردند. هم‌چنان اجلاس‌های مخالفین سوریه که در استانبول و انقره برگزار می‌گردید، "فورد" سفیر امریکا در سوریه به آن اشراف داشت.

وقتی دولت ترامپ روی کار آمد و تصمیم گرفت تا از گفتگوها همراه روسیه در مورد سوریه عقب نشینی کند، ترکیه را به‌عنوان نائب‌خویش در گفتگوهای آستانه گماشت و رؤیای وی (آتش‌بس در سوریه، تعیین مناطق کاهش نزاع و فکر کشورهای تضمین‌کننده آن) به حقیقت پیوست. ترکیه یکی از کشورهایی بود که آتش‌بس را تضمین کرد؛ مگر نظام بشار و روسیه آتش‌بس را عملی نکردند و ترکیه نتوانست کاری بکند و مانند امریکا که در شورای امنیت اظهار نگرانی می‌کند، ترکیه هم فقط اظهار نگرانی کرد و نظام مجرم سوریه، غوطه غربی، شیفونیه، غوطه شرقی و قبل از آن ادلب را به‌تصرف خود در آورد. تمام این اماکن در مناطق کاهش نزاعی بود که ترکیه آن را تضمین کرده بود. سیاست ترکیه در این مورد به کلی همانند سیاست امریکا بود که "بگذار نظام پیشروی کند" و به این ترتیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه مخلصانه به امریکا وفادار است و سیاست خارجی‌اش کاملاً با امریکا هماهنگ است.

## جذب گروه‌های "اسلام میانه‌رو" به ترکیه

اما فعالیت‌های ترکیه به جذب گروه‌های اسلامی میانه‌رو به شکل گسترده‌ای آشکار است و مطابق سیاست غربی "تفرقه بینداز و حکومت کن" ترکیه کشور بزرگ "سُنی نشین" است و مطابق سیاست غربی، می‌تواند گروه‌های اسلامی سُنی را جذب کند؛ چنان‌چه برای ایران نیز این امکان است تا گروه‌های اسلامی شیعه را جذب کند و حزب حاکم ترکیه به نام "حزب اسلامی" شناخته می‌شود و این خود عملیات جلب و جذب را آسان نموده است. به همین خاطر در ترکیه گروه‌های عربی، که به نام "اسلام میانه‌رو" یاد می‌شود، رشد نموده اند.

استانبول قبیلهٔ اخوان المسلمین شده است؛ خصوصاً کسانی که از دست نظام "سیسی" پس از آن که علیه رئیس جمهور "مُرسی" در سال 2013م انقلاب کرد، به ترکیه گریختند به همین خاطر است که در ترکیه کنفرانس‌ها، بورسیه‌های تحصیلی و حمایت از احزاب اسلامی میانه‌رو دیده می‌شود. گویا اردوغان سیاست جدیدی را در پیش گرفته است، بعد از آن که پیشینیانش در حکومت‌داری پس از دوران سیاه مصطفی کمال چنین نبودند و به‌خاطر این حمایت و تسهیلات، در میان گروه‌های عربی، که به اسلامی میانه‌رو شناخته می‌شوند، محبوبیت مردمی زیادی کسب نموده است و اردوغان به "رهبر بزرگ اسلام" توصیف می‌شود و "راشد غنوشی" رئیس حزب نهضت تونس نیز وی را به همین وصف تعریف نمود؛ حتی "قرضاوی" وی را به "سلطان" توصیف نمود و ترکیه برای تعداد زیادی از رهبران حماس، که راه‌ها برای‌شان محدود شده پناهگاهی شده است؛ خصوصاً پس از آن که سعودی و مصر قطر را تحریم نمودند و قطر خواهان بیرون شدن‌شان شد.

با دقت در می‌یابیم، تمام کشورهایی که دارای نیروی منطقه‌ای اند، تلاش می‌کنند تا در اوضاع داخلی کشورهای ضعیف‌تر اطراف خویش تأثیرگذار باشند و این مأمول از طریق احزاب، مخالفین، گروه‌های مسلح در وضعیت حساس امکان پذیر است. وقتی تأثیر کشورهای بزرگ بر کشورهای کوچک زیاد باشد، تأثیر کشورهای کوچک نیز به حساب همین تأثیر کشورهای بزرگ، بر سطح احزاب و گروه‌ها در کشورهای مجاور بزرگ خواهد بود. ترکیه و از پس آن امریکا به شکل مخفی هم که شود، می‌خواهند تا این گروه‌ها را به طرف خویش بکشانند و ترکیه در مقابل سیاست‌های امریکا مانع نشده؛ بلکه امیدوار است تا بعضی از این احزاب ابزار سیاست‌های تعددی‌اش قرار گیرند؛ مثلاً از حمایت مالی، سیاسی، فراهم کردن منابر رسانه‌ای، تقدیم تسهیلات مثل فراهم‌آوری پناهگاه و حفظ امنیت برای رهبرانی که از طرف کشورهای خود اخراج شده اند، به اهداف ذیل می‌رسد.

1- در فلسطین امریکا می‌خواهد در رقابت با تأثیر قطر، ترکیه بر جنبش "حماس" تأثیرگذار باشد تا این که نگذارند قطر و از پس آن اروپا در مقابل پروژه‌های امریکا برای حل قضیهٔ فلسطین مانع ایجاد کنند و ترکیه می‌تواند از طریق اغواء کردن حمایت مالی و تسهیلات مختلف به این هدف برسد.

2- ترکیه در سوریه با حمایت مالی و هم‌چنان به آن چه "میان‌روی اسلامی" شهرت دارد، موفق شد تا تعداد زیادی از گروه‌های نظامی سوریه را که منتسب به جریان "اسلام میانه" اند، به گفتگوهای آتش‌بس، گفتگوهای آستانه بین روس و نظام بکشاند و تصور غلطی ایجاد کند که ترکیه آن را تضمین کرده و با آن‌هاست و بجای این که با نظام مجرم جنگیده و آن را سقوط دهد، هم‌چنان آن‌ها را به نبردهائی که از دیدگاه شرعی حرام است؛ مثل نبرد با گُردها بکشاند و این یکی از اسرار حیات نظام سوریه است که امریکا از طریق ترکیه آن را فراهم نمود.

پس از انقلاب 2013م در مصر تعداد زیادی از رهبران اخوان المسلمین؛ چون حزب حاکم در ترکیه به اصطلاح اسلامی است، به این کشور پناه بردند و این امر برای سیاست امریکا حیاتی بود؛ چون می‌خواست پس از انقلاب بر "مُرسی" تحرکات اخوان المسلمین را تحت نظر داشته باشد و مانع هرگونه خطر علیه نظام "سیسی" شود؛ زیرا وقتی تحرکات زیر نظر باشد، طرف مقابل می‌تواند در آن مداخله نموده و ناکام‌اش نماید. هم‌چنان امریکا نمی‌خواهد که قطر تنها کشور تأثیرگذار بر تحرکات اخوان المسلمین باشد.

اما کشورهای مغرب عربی، جنبش‌های "اسلام میانه‌رو" مانند حزب "نهضة" تونس و جنبش "عدالت مغرب" و غیره به موفقیت‌های بزرگ اردوغان شگفت زده شده و می‌خواهند این تجربه را در حکومت‌داری خویش تجربه کنند، روابط خویش را با ترکیه مستحکم نمودند و به این ترتیب ترکیه که در پس آن امریکا قرار دارد، در ضمن ابزاری دیگر می‌خواهند در مغرب عربی تأثیرگذار بوده و برای ورود نفوذ امریکائی به جای نفوذ انگلیس و فرانسه تلاش کنند.

این بازی خطرناکی است که این جنبش‌های "اسلام میانه‌رو" خود را در میدان نبردها جهانی و منطقه‌ای بیابند که هیچ ارتباطی به دین و مبدئی‌شان نداشته باشد؛ همانند این که جنبش‌های "سیکولری" نفت آتشی شدند که به امت هیچ نفعی ندارد.

اصل این است که تغییر نظام سیکولر به نظامی سیکولر دیگر از دیدگاه شرعی تغییر محسوب نمی‌شود؛ مگر در نبردهای جهانی بسیار مهم است؛ خاصاً این که امریکا می‌خواهد نظام‌های طرف‌دار انگلیس و فرانسه را به هر شکل ممکن چه به انتخابات و چه به اعمال مسلحانه خلع نماید.

ترکیه مخالفین "اسلام‌گرا" را از کشورهای زیاد دیگری جذب می‌کند؛ خاصاً که هرازگاهی این را اعلام می‌نماید؛ چنان‌چه در اثنای نبرد موصل اعلام نمود که مرکز "اهل سنت" است و این در چارچوب طرح تقسیم مذهبی امریکا در منطقه است.

### جدیت طرح "ترکیه عثمانی" و تسهیلات امریکائی

پس از مصطفی کمال ترکیه کشوری سیکولریستی شده و هرگونه تعلق خود را با دولت عثمانی گسست. در همین چند سال پسین دیده شده که اردوغان این سیاست ترکیه را مخدوش نموده است و بعضاً دیده می‌شود که گویا وی تلاش می‌کند تا این سیاست را از بین ببرد. تلاش‌هائی این چنینی اردوغان با جریان‌های "راست کمالی" در ترکیه در تضاد



قرار گرفته است و این جریان‌ها بالای آن حساب بزرگی را باز نموده اند. همین جریان‌ها از ظاهر با حجاب زن رئیس جمهور وقت "عبدالله گل" انتقاد کرده و به این نظر بودند که "بانوی نخست" ترکیه نباید با پوشش سرش، که ظاهر اسلامی است، سیکولریزم کشور را مخدوش کند؛ مگر در چند سال پسین اردوغان جرأت بیشتر به خود داده و بعضی از مظاهر دولت عثمانی را در ترکیه بیش از پیش بروز داده است. مثلاً لباس گاردهای اردوغان به شکل احیای میراث عثمانی است و در همین مورد آژانس آناتولی به تاریخ 10 فروری 2018م نقل کرد: «شنبه رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه از عداوت یک‌عده نسبت به تاریخ سلطان عبدالحمید ثانی، که مملو از مؤفقیتهای بوده است، انتقاد کرده و از تدریس تبعیض آمیز تاریخ هشدار داد.» به این که یک‌تعداد تلاش دارند تا آغاز تاریخ ترکیه از سال 1923م (تاریخ تأسیس جمهوری ترکیه) باشد، اشاره نموده گفت: «یک‌عده هستند که تمام تلاش خود را به خرج می‌دهند تا ما را از اساسات و ارزش‌های اصیل ما جدا سازند.» وی اضافه نموده گفت: «هم‌چنان بخشی که منتسب به "کمال قلیچ دار اوغلو" رهبر حزب جمهوری خواه خلق ترکیه اند، معیاری برای وفاداری به جمهوری ترکیه تعیین کردند و آن کینه‌توزی با اجداد است. از دید این اشخاص، جمهوری ترکیه تازه ظهور نموده و از سلجوقیان و عثمانیان، که به مدت شش قرن سکان‌دار نظام جهانی بودند، نماینده‌گی نمی‌کند.»

موارد فوق از داخل ترکیه حکایت داشت؛ اما تسهیلاتی را که امریکا به ترکیه برای ابراز وجهه "عثمانی" فراهم نموده می‌توان از موارد ذیل فهم نمود:

امریکا تسهیلات زیادی را به ترکیه برای ساخت پایگاه‌های نظامی در خارج به‌منظور بروز دادن ترکیه به‌عنوان کشور بزرگ فراهم نمود و این مسئله زمانی آغاز شد که ترکیه در سال 2014م نیروهای خود را برای آموزش "پیشمرگه" در اردوگاه "بعشيقه" در عراق فرستاد. پس از تحریم‌های قطر، ترکیه اردوی خود را به پایگاه جدید ترکیه در قطر فرستاد و مسئله قابل توجه این است که ترکیه اردوی خود را در سال 2017م وارد پایگاه "عدید" در قطر کرد این پایگاه بزرگ امریکا بود و ورود اردوی ترکیه بدون توافق امریکا اصلاً امکان پذیر نبود.

واضح است که امریکا مطابق استراتیژی سال 2012م خویش برنامه انتقال یک سوم اردوی خود را به اطراف چین روی دست دارد و می‌خواهد که یک‌تعداد یا بخش‌هایی از پایگاه‌های نظامی خود؛ مثل پایگاه "عدید" در قطر را به بعضی از کشورهایی که بالای شان اعتماد دارد؛ مثل ترکیه، بسپارد و پایگاه نظامی ترکیه در سومالیا نیز شامل همین امر است.

کشورهای کوچک در خارج از قلمرو خویش کدام پایگاهی نظامی در اختیار ندارند و داشتن پایگاه نظامی در خارج از مظاهر عظمت است. از تعفن فکر سیاسی خواهد بود اگر تصور شود که ترکیه کشور بزرگ اس؛، زیرا ترکیه توان حل مشکلات نزدیک و حیاتی خود را ندارد. مثال آن این که امریکا گردهای سوریه را به‌منظور تأمین مصالح خویش مسلح می‌کند و ترکیه توان جلوگیری از آن را ندارد و نیز توان مداخله فعال در کشور همسایه خود (سوریه) را ندارد؛ چنان‌چه ایران، روسیه و کشورهای ائتلاف جهانی همراه امریکا این کار را نمودند. وقتی توان حل مشکلات نزدیک و حیاتی خود

را نداشته باشد، پس ناتوان تر از آنست تا مصالح خویش را در قطر، کشورهای خلیج و سومالیا تأمین کند. پایگاه‌های نظامی این کشور را فقط می‌توان خدمت به امریکا تفسیر کرد.

اردوغان رئیس جمهور ترکیه در دیدارش از سودان به تاریخ 24 دسامبر 2017م از جزیره "سواکن" سودان دیدن نموده و از پروژه احیای میراث عثمانی در آن سخن به میان آورد: «این جزیره مرکز پادگان دریائی عثمانیان در دریای سرخ بود.» اخباری حاکی از آنست که در ضمن توافقنامه "سواکن" لوازمی به شکل پنهان به پایگاه نظامی ترکیه تحویل داده شده است. "بشیر" رئیس جمهور سودان در دیدارش با اردوغان گفت: «من در شخص اردوغان بقایای دولت عثمانی را می‌بینم.» یعنی اردوغان بر اطراف کشورهای تابع امریکا مثل سودان می‌چرخد تا تصویر "عثمانی جدید" را در ترکیه بازسازی کند و این تسهیلات بزرگی است که بدون فراهم‌آوری مقدمات آن توسط امریکا، امکان پذیر نیست.

کسی که فکر می‌کند حکام عرب به تصمیم‌های خویش در استقبال پایگاه‌های نظامی ترکیه مستقل عمل می‌کنند، در خواب و خیال است؛ زیرا تمام‌شان سیاست‌های بادران خویش را تعقیب می‌کنند و "بشیر" نیز از سیاست امریکا تبعیت می‌کند. بناءً تسهیلات بشیر برای اردوغان در ضمن سیاست امریکا است که می‌خواهد وجه ترکیه را تعالی بخشد.

اردوغان در اثنای دیدار اش از "چاد" گفت: «روابط بین دو کشور به قرن شانزدهم بر می‌گردد؛ زمانی که دولت عثمانی نفوذ خود را در منطقه گسترش داده بود.» "ادریس دبی" رئیس جمهور چاد در مورد سخنان اردوغان گفت: «ترکیه کشور بزرگ بوده و تاریخ اصیل دارد، کشوری شناخته شده و در سطح جهان مشهور است. ترکیه کشوری مهم بوده و در طول تاریخ نقش مهمی را به نام بشریت و جامعه اسلامی بازی نموده است.» (منبع: خبرگزاری آناتولی، دسامبر 2017م) این موضوع رویکرد جدید ترکیه را از طریق ابراز "ترکیه عثمانی" واضح می‌کند که در سال‌های آغاز حکومت اردوغان به چشم نمی‌خورد و در این اواخر دیده می‌شود.

در مورد مسئله متعلق به جدیت امریکا در فکر و طرح "ترکیه عثمانی" باید بگوئیم که ما به این درک رسیده‌ایم که نگرانی امریکا از زلزله خلافت نگرانی واقعی تلقی می‌شود و به خاطر رفع این نگرانی سیاست‌هایی را روی دست گرفته که مسئولان آن را عملی می‌کنند و این نگرانی‌ها افکاری نیست که تنها از مراکز پژوهش و بانک‌های فکری امریکا سر بر آورده باشد. امریکا از خلافت خودخوانده بغدادی در موصل زمانی استفاده کرد که ندای خلافت‌خواهی در سوریه همه جا را فرا گرفته بود و خلافت بغدادی، که مخلوطی از ریختن خون، استفاده از زنان اسیر و تخریب قبرستان‌ها بود، یک سراسیمه‌گی را ایجاد نمود و به این ترتیب تصویر منفی‌ای را از خلافت بزرگ ارائه نمود. این از یک‌طرف و از طرفی دیگر سیاست‌های امریکا و به شکل عموم از غرب به ارائه حکومت جنبش‌های "اسلام میانه‌رو" به ناکامی منجر شد و حکومت نامقتدر "حزب نهضه" در تونس ناکام شد. هم‌چنان حکومت نیمه مقتدر در یمن ناکام شده و تجربه غزه نیز رضایت بخش نبود. تجربه اخوان در مصر نیز به ناکامی منجر شد و روی بارز این ناکامی متوجه امریکا بود. رساندن این گروه‌ها به حکومت، امریکا را قادر نساخت تا گروه‌هایی را که از آن بنام "اسلامی تندرو" یاد می‌کند، فرمانبردار خود کند و هدف هم از اجازه دادن

به گروه‌های "میان‌رو" به قدرت همین بود. به این ترتیب امریکا از فکر رساندن گروه‌های میان‌رو به قدرت، عقب‌نشینی کرد.

از ناحیه سوم حالت عصیان در امت اسلامی به‌شکلی بزرگ شده که امریکا را از حوادث غیرمنتظره؛ مثل بهار عربی در هراس کرده است. امریکا دولتی بزرگ است و پروژه‌های مختلفی را مستقیم یا توسط اتباع خویش تجربه می‌کند تا این که مصالح جهانی خویش را در امنیت کامل ببیند. بنابر این، جستجوی طرح جدیدی برای راه‌حل به مشکل عصیان جهان اسلام و عدم چشم‌پوشی از تحولات غیرمنتظره، که با زلزله بزرگ خلافت حقیقی برمنه‌ج نبوت خواهد آمد، امری حتمی تلقی می‌شود.

محققاً امریکا از اعلام خلافت خودخوانده بغدادی در موصل استفاده زیاد نمود. بعید به نظر نخواهد رسید که امریکا مجدداً فکر خلافت جعلی را سازماندهی کند. امروزه شاخص‌های کافی برای اردوغان رئیس جمهور ترکیه دیده می‌شود که کشور ترکیه را در جایگاه قبل از نابودی خلافت عثمانی در سال 1923م قرار دهد و هم‌چنان با تسهیلاتی که امریکا برای ترکیه در سودان و سایر کشورهای تابع خویش فراهم نموده، این طرح امریکا در حال آماده‌سازی می‌باشد و رئیس جمهور اردوغان مقدمات امکانات تطبیق آن را جستجو می‌کند. آن‌چه به این امر اشاره می‌کند، این است که ترکیه با کشورهای اروپائی درگیر می‌شود و گویا از موقف دولت عثمانی صحبت می‌کند؛ زیرا اردوغان خلاف عادت آلمان و هالند را به "بقایای نازی‌ها" توصیف نموده و گویا به آن‌ها پشت کرده است.

خلاصه این که از حکمت دور خواهد بود که از تمام شاخص‌هائی که بیانگر طرح بسیار خطرناک امریکائی در ترکیه (خلافت جعلی) است، چشم‌پوشی کرد. این کار به هدف این است که علیه هر دولت خلافت واقعی که اعلام آن جهان را خواهد لرزاند، بایستد و پروژه‌های خلافت ساختگی این چینی مسلمانان را سراسیمه خواهد کرد؛ مخصوصاً اتباع کسانی که به جریان بنام "میان‌رو" شناخته می‌شوند و کسانی که رهبران‌شان برای ساخت اعتماد به اردوغان کار می‌کنند. یک‌تعداد اردوغان را به رغم این که روابطش همراه دولت یهود پوشیده نیست، به "سلطان" توصیف می‌کنند.

تطبیق پروژه‌های این چینی در چند ماه امکان پذیر نیست و نیاز به مقدمات زیاد داخلی همراه احزاب "کمالی" و مقدمات در خارج دارد. مگر امر مهم‌تری که از مخلصین، کسانی که سمت خویش را به سمت ریسمان پاک و صاف اسلام مطابق دلایل شرعی اش وحدت بخشیدند و کسانی که اعمال خود را فقط برای الله سبحانه و تعالی انجام می‌دهند، خواسته می‌شود، این است که گام‌های استوار را برای تأسیس دولت بزرگ اسلام خلافت راشده دوم برمنه‌ج نبوت بردارند؛ دولتی که دوستی اش با پروردگارش بوده و احکام آن، احکام دین متین اش خواهد بود. امریکا و غرب را لرزان نموده و به قطع فوری نفوذ و پایگاه‌های نظامی شان از سرزمین اسلامی می‌پردازد و همانند این که نجاست را از لباس دور می‌کنند، مزدوران غرب را از پیکر امت اسلامی خواهد زدود. به تطبیق احکام اسلام بزرگ پرداخته و مردم آمدن آن را بر هم‌دیگر تبریک خواهند گفت، برکت از زمین نازل شده و کار امت امروزی را راست خواهد نمود؛ چنان‌چه دیروز نیز راست نمود. نیرو و

توان متفرق امت را جمع کرده و دشمن الله سبحانه و تعالی و دشمن خویش را به هراس خواهد افگند و رسیدن به آن دور نخواهد بود. برای تحقق هر امر میعادى معین شده است و از الله سبحانه و تعالی می خواهیم که میعاد این امر در روزهای آینده باشد و در آن روز مؤمنان به نصرت الله سبحانه و تعالی و عزت اسلام بزرگ، شادمان خواهند شد.

نویسنده: عصام شیخ غانم

6 رمضان المبارک 1439 هـ.ق

22 می 2018 م

مترجم: اسماعیل نصرت